

# سیاحت اندیشه

در پهنه دین

محمد لکهناسن

جمعی از مترجمان

مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی



شماره ردیف ۲۰۵  
شماره موضوعی فلسفه - ۲۶  
۱۳۸۳-۲۵

## ■ سیاحت اندیشه در سپهر دین

- مؤلف: محمد لکنهاوسن
  - مترجم: گروهی از مترجمان
  - ناشر: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
  - نوبت و تاریخ چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۳
  - چاپ:
  - شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۴۵۰۰ تومان

● کاتب مرکز نشر و تولید انجمن آیت الله العظمی بروجردی، تهران، پلاک ۲۸  
تلفن و فکس: ۰۲۱-۷۷۲۴۴۱۶

● شعبه توزیع: تهران، خیابان آملی، پلاک ۱۲، فروردین و سپهر، تهران، خیابان آملی، پلاک ۱۱، فروردین و سپهر  
تلفن و فکس: ۰۲۱-۶۴۶۰۴۲۳

● شعبه خدمات به محققان: تهران، جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
تلفن و فکس: ۰۲۱-۶۴۶۰۴۲۳

شابک X-۰۳۴-۴۱۱-۹۶۴

کتاب ضمنی برای دانشجو و محقق است

## فهرست مطالب

۱۱	..... مقدمه مؤلف
۱۵	..... مقدمه مترجمان

### بخش اول

#### حقوق و سیاست

۱۹	..... چه کسانی می‌توانند وارد گفت‌وگوی تمدنها شوند؟
۱۹	..... مقدمه
۲۰	..... استعاره علیه تحلیل سیاسی
۲۲	..... تأویل و تفسیر استعاره
۲۲	..... دیگری و خود
۲۴	..... تولید و تقلید
۲۶	..... نمایندگان تمدنها
۲۹	..... شخص بسان محصول تمدن خود
۳۱	..... گفت‌وگو، تاریخ و هویت
۳۹	..... اسلام و گفت‌وگو
۴۳	..... بازخوانی اسلامی حقوق بشر
۷۱	..... نقش شریعت در زندگی مسلمین

۷۱	..... مقدمه.
۷۲	..... واکنش متفکران اسلامی به چالشهای استعماری در باب شریعت
۷۴	..... تمایز میان قلمرو و محتوای شریعت
۷۷	..... ردّ پروتستانتیسم اسلامی
۸۴	..... استدلال معتقدان به محدود بودن قلمرو شریعت.
۹۳	..... اسلام در رویارویی با فمینیسم
۹۳	..... مقدمه.
۹۵	..... تاریخچه کوتاهی از فمینیسم
۱۰۴	..... نظریه سیاسی فمینیستی.
۱۰۷	..... الهیات فمینیستی.
۱۱۳	..... مخالفت اسلام با فمینیسم.
۱۱۳	..... آرمانهای متضاد اسلام و فمینیسم
۱۱۵	..... مکمل هم بودن زن و مرد، خانواده و جنسیت.
۱۱۷	..... نقش زن در اسلام.
۱۲۰	..... مخالفت اسلام با سوسیالیسم
۱۲۱	..... مخالفت اسلام با رویکرد فلسفی فمینیسم
۱۲۳	..... مخالفت اسلام با نظریه سیاسی فمینیستی
۱۲۴	..... مخالفت اسلام با الهیات فمینیستی
۱۲۵	..... فمینیسم به منزله امپریالیسم فرهنگی.
۱۳۰	..... نتیجه
۱۳۰	..... مبارزه اسلام بر ضد فمینیسم
۱۳۱	..... نهی از ظلم بر زنان در اسلام.
۱۳۲	..... سوء استفاده از اسلام برای ظلم به زنان.
۱۳۴	..... نهضت زنان مسلمان
۱۳۹	..... نقد و معرفی «کدام عدالت؟ کدام عقلانیت؟» اثر السّیدیر مک‌آینتایر.
۱۴۳	..... در پی فضیلت.
۱۴۴	..... نسبی‌انگاری

فهرست مطالب □ ۷

۱۵۳	..... لیبرالیسم
۱۶۲	..... دین
۱۶۴	..... تاریخ
۱۷۱	..... بررسی کتاب "مبانی اسلامی کثرت‌گرایی دموکراتیک"
۱۸۱	..... ۱. در جست‌وجوی کثرت‌گرایی دموکراتیک در اسلام
۱۹۶	..... ۲. مردم امت واحدی هستند
۲۱۴	..... ۳. در امور خیر با یکدیگر رقابت کنید
۲۲۴	..... ۴. در حق انسانها بخشش داشته باشیم
۲۳۰	..... ۵. خاتمه

**بخش دوم**  
**دین و اخلاق**

۲۳۷	..... اخلاق، و پیوند آن با دین
۲۷۱	..... تأملی در مفهوم خیر اخلاقی
۲۸۷	..... هشدارهای اسلام بر نقض اخلاق جمعی
۲۸۷	..... درآمد: چراغهای قرمز
۲۹۵	..... نقض اخلاق جمعی
۳۰۲	..... چه باید کرد؟
۳۱۳	..... نظام هشداری چراغ قرمز در اسلام
۳۲۱	..... اخلاق اصالت
۳۲۱	..... مقدمه
۳۲۶	..... درباره چارلز تیلور و آثار او
۳۲۹	..... نقد و بررسی کتاب اخلاق اصالت
۳۲۹	..... ۱. سه نقطه ضعف
۳۳۱	..... ۲. بحث گنگ
۳۳۵	..... ۳. ریشه‌های تاریخی «اصالت»
۳۴۳	..... ۴. افقهای گریزناپذیر

۳۴۸	۵. نیاز به شناخت.....
۳۵۴	۶. لغزش به ذهن‌گرایی.....
۳۵۸	۷. «مبارزه ادامه دارد».....
۳۶۲	۸. زبانهای ظریف‌تر.....
۳۶۴	۹. قفس آهنین.....
۳۶۹	۱۰. در برابر فروپاشی.....
۳۷۳	راست‌گویی و دروغ‌گویی در فلسفه اخلاق.....

### بخش سوم

#### فلسفه دین

۳۹۱	متفکران مسلمان و ضرورت آشنایی با الهیات نوین مسیحی.....
۴۱۳	رابطه فلسفه و الهیات در عصر پسامدرن.....
۴۴۳	چرا سنت‌گرا نیستیم.....
۴۴۳	مقدمه.....
۴۵۲	سنت‌گرایی یا تجددگرایی؟.....
۴۵۳	مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون.....
۴۵۴	سنتها، سنت و سنت‌گرایی.....
۴۵۶	اشکالاتی بر کثرت‌گرایی باطنی.....
۴۶۰	نقد سنت‌گرایان بر تجددگرایی.....
۴۷۲	گزیرناپذیری مدرنیته.....
۴۷۵	سنت‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی.....
۴۸۱	اعتدال و حقیقت‌جویی.....
۴۸۷	تجربه‌گرایی و فلسفه اسلام.....
۴۹۹	اندیشه بشری، حکمت الهی و فلسفه اسلامی.....
۵۰۸	روش فلسفه.....
۵۱۱	اندیشه دینی، الهیات فلسفی و فلسفه دین.....
۵۱۴	سنتهای فلسفی غیر یونانی.....

فهرست مطالب @ ۹

۵۲۲	ایمان‌گرایی در غرب.....
۵۳۱	علامه طباطبایی و الهیات فلسفی معاصر.....
۵۳۶	مهم‌ترین تفاوت الهیات معاصر مسیحی و اسلامی.....
۵۵۱	تقدیری از کتاب تائوی اسلام.....
۵۶۵	کتابنامه لاتین.....
۵۷۵	کتابنامه فارسی.....
۵۷۷	نمایه اعلام.....
۵۸۳	نمایه اصطلاحات.....





## مقدمه مؤلف

به نام آنکه جان را فکرت افروخت چراغ دل به نور جان برافروخت مقاله‌هایی که در این مجلد آمده در فاصله میان سالهای ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۲ نگاشته شده است و بیشتر آنها در مجلات مختلف انگلیسی زبان در ایران<sup>۱</sup> به چاپ رسیده است. انتشارات الهدی نیز در سال ۲۰۰۰ برخی از این مقالات را در مجلدی با عنوان *Contemporary Topics of Islamic Thought* منتشر کرد. بسیاری از مقالات نیز پس از ترجمه در مجلاتی نظیر نقد و نظر و معرفت به چاپ رسیده است.

مقصود از عنوان مجموعه حاضر آن نیست که مباحث مطرح شده در آن مهم‌ترین موضوعات اندیشه اسلامی است، بلکه تنها پرداختن به برخی از موضوعات مورد بحث در میان مسلمانان مورد نظر بوده است. در نوشتن این مقالات که در واقع حد واسط مقالات علمی و عمومی هستند، چند هدف مورد نظر بوده است: نخست آنکه می‌خواستم درباره موضوعات مورد بحث در میان متفکران مسلمان ایرانی نکاتی را متذکر شوم، و در این باره کوشیده‌ام که به طور کلی از افراط و تفریط بپرهیزم. گاه مشاهده می‌شود که اصلاح یا احیای تفکر دینی دچار نوعی افراط انحرافی می‌شود. روشن است که زیان این افراط بیش از منافع اصلاح

---

۱. از جمله مجله‌های زیر:

واقعی است، و در سوی مقابل نیز، کسانی که مدافع سنتها یا فقه سنتی هستند گاه در دام تفریط گرفتار آمده‌اند و اساساً نیاز به اصلاح تفکر دینی را انکار می‌کنند، که آن هم به جای آنکه به سود آنان باشد به زیانشان است. به نظر من اندیشه‌ها و روشهای عمل همواره قابل اصلاح هستند ولی برای آنکه در حمایت از اصلاح به ورطه گمراهی نیفتیم باید بسیار سنجیده و عالمانه عمل کنیم. برای هدایت جویی باید به ریسمان الهی چنگ زنیم، و تنها در صورتی راه به جایی خواهیم برد که با در پیش گرفتن روحیه تسلیم و انقیاد کامل، رو به سوی دین آوریم. ما دین را به کمک اندیشه‌ها و روشهای عمل معاصر فهم می‌کنیم اما اگر به گونه‌ای افراطی از برنامه‌های اصلاحی دم زنیم ارتباط خود را با ریشه و اساس اعتقادات خود قطع خواهیم کرد.

اگر به منابع دینی رجوع کنیم و با توکل به خدا از عقل و بصیرت خدادادی خود بهره ببریم می‌توانیم راه درست اصلاح اندیشه دینی را دریابیم. منظور من از اصلاح، اصلاح اسلام نیست بلکه مقصودم آن است که باید فهم خود را نسبت به اسلام اصلاح کنیم تا بتوانیم در همه ابعاد کاربرد بیشتری برای دین بیابیم. باید دید در جهانی که پیوسته در حال تحول است و فرصتهایی که در این تحولات پیش روی ما قرار می‌گیرد چگونه می‌توان از هدایت الهی بهره‌مند شد و دقیقاً در همین جاست که باید فهم خود را دربارهٔ اسلام اصلاح کنیم؛ زیرا آنچه در یک زمان و مکان تثبیت شده، نمی‌تواند برای همه زمانها و همه مکانها مناسب باشد. دومین هدفی که در این تاملات در پی آن بوده‌ام این است که نشان دهم

چگونه می‌توان از عناصر سنت فکری اسلامی برای ایجاد کاربرد وسیع‌تر استفاده کرد. به نظر می‌رسد نه فقط قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام بلکه فرهنگهای فکری‌ای که در پرتو این دو به وجود می‌آیند منابع غنی‌ای از افکار و رویکردها پدید می‌آورند که مرتبط با مهم‌ترین مسائلی هستند که برای انسان پیش می‌آید.

سومین هدفم آن بود که متفکران مسلمان را با ابعاد و عناصر سودمند یا زیان‌آور فرهنگ فکری غرب و دیدگاههای مطرح‌شده در آن آشنا سازم. اگر مسلمانان بخواهند در مقابله با سلطهٔ جهانی برخی از اندیشه‌های بسیار رایج غربی، که امروزه از آن با عنوان تهاجم فرهنگی یاد می‌شود، اندیشه‌ها و رویکردهای انتقادآمیز تأثیرگذاری داشته باشند، باید با انواع نقدهایی که در بستر جوامع غربی و در ردّ این‌گونه اندیشه ارائه شده، آشنا شوند؛ مثلاً در زمینهٔ لیبرالیسم نه فقط می‌توان زمینه مشترک برای نقدهایی از منظر اسلامی و غربی پیدا کرد بلکه توجه به تفاوت این‌گونه نقدها نیز می‌تواند فهم ما را درباره امتیاز خاصی که ویژهٔ اندیشه‌های برآمده از فرهنگ اسلامی است، عمیق‌تر کند.

وبالاخره چهارمین هدف آنکه از آنجا که من خود به دین اسلام گرویده‌ام، کوشیدم نشان دهم که چگونه می‌توان اندیشه‌ها و ارزشهایی را که از فرهنگ غرب اقتباس کرده‌ام در بستر تعالیم اسلام ارزشیابی کرد، و از این مقالات تا اندازه‌ای می‌توان دریافت که واکنش من به اسلام و سنتهای فکری ملهم از آن چگونه بوده است. شاید رویکردی که در اینجا پیش گرفته‌ام بتواند مشوق کسانی باشد که در موقعیت من قرار گرفته‌اند و

نه فقط کسانی را که اسلام آورده‌اند، بلکه جوانان مسلمانی که در گرداب فرهنگ نوین غرب گرفتار آمده‌اند به رویکردی واقع‌بینانه‌تری رهنمون سازد.

خاضعانه سپاس‌گزار همه کسانی هستم که یاریگر من بوده‌اند؛ به‌ویژه از آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و دوستان و همکاران و دانشجویان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله که از من به گرمی استقبال و پذیرایی کرده، پژوهش‌هایم را به دیده تشویق نگریستند، و نیز از آقایان دکتر کمال خرازی، دکتر غلامرضا اعوانی، محمد علمی، علی‌قلی قرایی، سید علیرضا فروغی، اکبر قنبری و سعید عدالت‌نژاد بسیار سپاس‌گزارم. از ناشر انگلیسی این مجموعه نیز تشکر می‌کنم. از معاونت پژوهش و مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله و مترجمان، به‌ویژه دانشجوی ممتازم جناب آقای منصور نصیری که علاوه بر ترجمه برخی از مقالات، ویرایش آن را نیز پذیرفتند، بسیار سپاس‌گزارم.

محمد لگنهاوسن

## مقدمه مترجمان

اگر اندیشه، یگانه امتیاز تمایزبخش آدمی است اندیشه‌ورزی در مسائل دینی، از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان‌های حقیقت‌جوست. از این روی رسیدن به حقیقت پژوهش در مسایل دینی به دلیل حضور پیوسته دین در تاریخ بشر، امری است بایسته. بایستگی پژوهش در اندیشه دینی به ویژه در عصر حاضر که باید آن را عصر بازگشت به ایمان نامید هنگامی روشن‌تر می‌شود که واماندگی و عجز بشر متجدد امروز را بنگریم. انسان عصر حاضر، خسته از رفاه‌طلبی مادی، بیش از پیش احساس معنوی ضمیر خود را درمی‌یابد. بازگشت به "حق" تنها رخدادی است که انسان معاصر را نجات خواهد داد. و لازمه این "حق‌جویی" توجه به همه قلمروها و پدیده‌هاست. و دین از بنیادی‌ترین قلمروهایی است که همواره نقش تأثیرگذار خود را نشان داده است. حقیقت آن است که انسان معاصر، زیان بی‌توجهی به دین و اندیشه دینی را بیش از پیش دریافته است و به نظر می‌رسد که باید با بازگشت و نگاه دوباره به دین و مسایل مطرح درباره آن به بررسی اندیشه دینی در جهان معاصر پرداخت و اثر حاضرگامی است در این راه. این اثر درآمدی است بر اندیشه دینی در عصر حاضر که عمدتاً با منظری اسلامی در سه حوزه کلی حقوق و سیاست، دین و اخلاق و فلسفه دین نگاشته شده است. و ویژگی بارز آن، گذشته از تازگی بسیاری

از مباحث آن، چیرگی و احاطه عمیق نویسنده بر دو حوزه اندیشه دینی غرب و جهان اسلام می‌باشد. این ویژگی تأملات حاضر را اهمیتی دوچندان بخشیده است. موجزنویسی استاد دکتر لگنهاوسن، به ویژه به هنگام طرح دیدگاه‌های خود، که در برخی موارد باعث افزودن جمله یا جملات توضیحی به درخواست خود نویسنده شده است، ژرف‌نگری بیشتر خواننده را می‌طلبد.

مترجمان در ترجمه کتاب همواره از راهنمایی‌های نویسنده استفاده کرده‌اند و از این رو خود را رهین رهنمودهای ایشان دیده و جنبه‌های نیکوی ترجمه حاضر را حاصل رهنمودها و شکیبایی ایشان و خطاهای احتمالی را معلول بضاعت اندک علمی خود می‌دانند و تذکرات خوانندگان فرهیخته را با سپاس فراوان می‌پذیرند.

مترجمان

# بخش اول

## حقوق و سیاست

- چه کسانی می‌توانند وارد گفت‌وگوی تمدنها شوند؟

- بازخوانی اسلامی حقوق بشر

- نقش شریعت در زندگی مسلمانان

- اسلام در رویارویی با فمینیسم

- معرفی و نقد «کدام عدالت؟ کدام عقلانیت»؛

اثری از السدیر مک‌این‌تایر

- بررسی کتاب مبانی اسلامی کثرت‌گرایی دموکراتیک؛

اثر دکتر ساجدینا





چه کسانی می‌توانند وارد گفت‌وگوی تمدن‌ها شوند؟

## قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا<sup>۱</sup>

ترجمه منصور نصیری

### مقدمه

افلاطون در *تئیتوس* می‌نویسد:

نباید بحث و پرسش خود را با بی‌انصافی پیش ببری. بسیار نامعقول است کسی که ادعا می‌کند علاقه‌مند فضیلت است، همواره در بحث و استدلال بی‌انصافی کند. بی‌انصافی در بحث آن است که میان مجادله و گفت‌وگو تمایز نهد. ممکن است در مجادله نیازی به جدی گرفتن بحث نباشد، و ممکن است انسان همه توان خود را به کار گیرد که رقیبش به اشتباه افتد؛ اما گفت‌وگو باید با جدیت تمام صورت گیرد. در گفت‌وگو باید به طرف مقابل خود کمک کرد و تنها اشتباهات و لغزشهایی را متذکر شد که از آن خود او یا آموزگاران پیشین اوست. اگر این ضابطه را در پیش گیری، مخاطب تو، خود را به دلیل سردرگمیها و تحیرهایی که خود موجب آن شده و نه شما، سرزنش خواهد کرد و شما را دوست داشته، با شما همراه خواهد شد و به فلسفه روی خواهد آورد؛ بدان امید که از خویشتن اولی خود گریخته، فردی متفاوت با گذشته خویشتن گردد.

برای ورود به گفت‌وگو، ما نیز باید آماده دگرگونی و تغییر پذیری و تفاوت یافتن با گذشته خویشتن باشیم؛ درست همان گونه که باید آماده یاری رساندن به کسانی باشیم که با آنان وارد گفت‌وگو می‌شویم تا متفاوت با خویشتن اولی‌شان

شوند. با نوعی تشبیه و تمثیل، می‌توان گفت اگر تمدن‌ها نیز بنا دارند با یکدیگر گفت‌وگو کنند، باید آماده دست شستن از خویشتن نخستین خویش و تبدیل شدن به تمدن‌هایی متفاوت با گذشته خود باشند. اما آیا این تمثیل و استعاره به حد کافی قانع‌کننده هست؟ به نظر من چنین است. با این حال، تأمل در باب این استعاره و تمثیلی که درباره تمدن‌های در حال گفت‌وگو مطرح ساختیم، خالی از فایده نخواهد بود.

### استعاره علیه تحلیل سیاسی

ساموئل هانتینگتون<sup>۱</sup> تحلیلی سیاسی از جهان معاصر ارائه می‌دهد و آن را به چند تمدن که ادیان، تاریخها، هویتها و ارزشهای متفاوت دارند، تقسیم می‌کند. وی روابط موجود میان این دسته‌های فرهنگی را «برخورد تمدن‌ها» می‌نامد؛ چراکه وجود تفاوت در ارزشها و دیگر عوامل فرهنگی باعث تعارض این تمدن‌ها با یکدیگر شده است. او در تحلیل خود، تمدن اسلامی را رقیب [تمدن] غرب لیبرال و متجدد می‌داند و به سیاست‌گذاران ایالت متحده امریکا پیشنهاد می‌کند که برای دفاع آگاهانه از تمدن غرب و ارتقا بخشیدن به آن، تلاش مشترک و وسیعی را آغاز کنند. کتاب هانتینگتون توجه بسیاری را به خود جلب کرد، و اندیشمندان پرشماری به نقد و بررسی آن پرداختند. برخی در نقد این تقسیم‌بندی، آن را تا حدی تحکم‌آمیز [و غیرمنطقی] خوانده‌اند. تحلیل هانتینگتون این اتهام را نیز علیه او برتافته که وی در دام نوعی تعصب فرهنگی - اگر نگوئیم نژادی - گرفتار آمده است. دیدگاه او درباره تاریخ تمدن‌ها

1. Samuel P. Huntington, *The Clash of Civilizations and the Remarking of the World Order*.

چه کسانی می‌توانند وارد گفت‌وگوی تمدنها شوند؟ □ ۲۱

به منزله دیدگاهی غیردقیق، مورد نقد قرار گرفته است، و سرانجام، پیشنهاد و طرح سیاسی او به سیاستمداران نیز، به مثابه پیشنهادی که در تقابل با منافع ملی ایالت متحده امریکاست، نقد شده است. در این مقام دغدغه خاطر من پرداختن به جزئیات دیدگاه هانتینگتون و بر حق دانستن وی یا منتقدانش در تفصیل و جزئیات این بحث نیست.

یکی از جالب‌ترین پاسخها به اندیشه برخورد تمدنها، پاسخی است که سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، ارائه داده است. او در سخنرانی خود، در پنجاه و سومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل (۲۱ سپتامبر ۱۹۹۸)، برای چندمین بار، همه کشورها را به «گفت‌وگوی تمدنها» فرا خواند و پیشنهاد کرد که سال ۲۰۰۱، سال «گفت‌وگوی تمدنها» نام گیرد. هرچند دو تعبیر «برخورد تمدنها» و «گفت‌وگوی تمدنها» به میزان کافی مغایر و متضاد با یکدیگرند، به گونه‌ای که پیشنهاد آقای خاتمی جای‌گزین انسانی‌تری برای نظریه برخورد تمدنهاست، این دو ایده چندان متفاوت‌اند که [باید گفت اساساً] به مقولات متفاوتی ناظرند.

ایده اساسی کتاب برخورد تمدنها تبیین تعارضات موجود میان تمدنهای مختلف و در واقع ارائه نوعی تحلیل سیاسی است، اما ایده «گفت‌وگوی تمدنها» اساساً یک تحلیل نیست، بلکه طرحی پیشنهادی است که نحوه مواجهه با دیگران را در قالب استعاره ارائه می‌دهد؛ چنان‌که گویی حافظ شیرازی پاسخی به اندیشه ماکیاولی داده باشد: یکی از «سیاست واقعی»<sup>۱</sup> (و نه اخلاقی و آرمانی) سخن می‌گوید و دیگری از «عشق».

1. Real politic.

چنانچه بناست پیشنهاد آقای خاتمی صرفاً در حد یک اندیشه زیبا باقی  
ماند، باید در صدد فهم مقصود از این استعاره بر آییم.

### تأویل و تفسیر استعاره

ممکن است افرادی که خیلی ملانقطی هستند به طرح گفت‌وگوی تمدنها چنین پاسخ دهند که تمدنها فاقد گوش و زبان‌اند، و از همین روی، نه توان سخن گفتن دارند و نه توان شنیدن. انسانها سخن می‌گویند و می‌شنوند و طبعاً می‌توانند وارد گفت‌وگو شوند؛ اما تمدنها اموری انتزاعی‌اند که تاریخ‌نگاران و نظریه‌پردازان سیاسی، آنها را واقعی انگاشته‌اند و از این روی گفت‌وگوی تمدنها اساساً امکان‌پذیر نیست. البته، اگر بنا بر سخن گفتن به صورت تحت‌اللفظی باشد، نظر چنین افرادی درست است. اما اندیشمندان واقعی هرگز چنین بنایی ندارند و با به همین دلیل اگر بخواهیم اندیشه گفت‌وگوی تمدنها را به درستی درک کنیم، باید برای تأویل این استعاره راهی بیابیم. گذشته از اینکه تمدنها فاقد اعضای جسمانی مناسب برای گفت‌وگویند، موانع دیگری وجود دارند که سد راه گفت‌وگوی تمدنها هستند و چنانچه بخواهیم در نحوه فهم اندیشه گفت‌وگوی تمدنها تأمل ورزیم باید این موانع را در نظر داشته باشیم.

### دیگری و خود

صحبت از «گفت‌وگو»، در واقع، سخن گفتن از ابزاری است که با آن بر شکاف میان «خود» و «دیگری» پلی نهاده می‌شود. اگر بناست «گفت‌وگو» در ایجاد همان نوع دگرگونی‌ای مؤثر باشد که از افلاطون نقل شد، یادآوری این نکته مفید است که باید به جای تعبیر بسیار رایج «خود و دیگری»، در پی آن باشیم